

به نام خداوند جان و خرد

شراره‌های چشمه‌ی خورشید

نوشته

نعمت‌الله درویشی

www.ketab.ir



نشر آذرکَلک

سرشناسه	:	ادریسی، نعمت‌الله، ۱۳۱۹-
عنوان و نام پدیدآور	:	شراره‌های چشمه‌ی خورشید/نوشته نعمت‌الله ادریسی.
مشخصات نشر	:	زنجان: آذرکَلک، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۲ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۹-۸۲-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۵۱-۱۵۲.
موضوع	:	سیرافی (طایفه) Sirafi (Iranian Tribe) طایفه‌ها -- ایران Clans -- Iran DSRYZ ۹۵۸/۶۴۴ ۱۲۶۵۳۰
رده‌بندی کنگره	:	فیا
رده‌بندی دیویی	:	
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی	:	
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی	:	
نام کتاب	:	شراره‌های چشمه‌ی خورشید
نوشته	:	نعمت‌الله ادریسی
صفحه‌آرایی	:	لیلا احدی
طرح جلد	:	بامشاد یغمایی
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۹-۸۲-۳
سال انتشار	:	۱۴۰۰
نوبت انتشار	:	اول
شمارگان	:	۵۰۰ جلد
لیتوگرافی	:	ولیعصر
قیمت	:	۴۲۰۰۰ تومان
ناشر	:	آذرکَلک
نشانی	:	زنجان، آزادگان، ساختمان اداری-تجاری سه‌پند، واحد ۶۰۳
نشانی الکترونیکی	:	www.azarkelk.com
تلفن	:	۰۲۴۳۳۴۱۱۵۸۳
نمابر	:	۰۲۴۳۳۴۱۱۵۸۴
تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ است.	:	

www.ketabo.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	دییاجه.....
۱۵	دهلیز چین.....
۲۳	در نوشخند روز.....
۳۷	حدیث آرزومندی.....
۴۱	رندان عافیت سوز.....
۴۹	شبی گیسو فروهشته به دامن.....
۵۷	چرخ بازیگر.....
۶۵	آتش در نیستان.....
۷۷	از بام فلک.....
۸۳	سر آدمی گندنا نیکمیت تا باز بروید.....
۹۱	جلوه و گریز.....
۹۹	باغ نخشب.....
۱۰۹	خروش خشم.....
۱۲۳	شهد و شرنگ.....
۱۳۳	آبگینه‌های خورشید.....
۱۳۹	شیرین، دهان به گفتن حلوا نمی‌شود.....
۱۵۱	فهرست منابع.....

دیباچه

قطره‌ها، چشم‌انتظاران همانند
چون به هم پیوست، جان‌ها بی‌غم‌اند
هر حبیبی، دیده‌ای در جست و جوست
چون رسد هر قطره، گوید: «دوست، دوست...!»
می‌کنند از عشق هم، قالب تهی
ای خوشا با مهر و ناز هم‌راهی!
(فریدون مشیری)

فکر کردم حالا که این یادداشت‌ها دارد به سرانجام می‌رسد، پیرایه‌ای به جای دیباچه
بر آن ببندم. در این نوشتارها، می‌خواستم دینی را که به بخشی از تاریخ شفاهی سرزمین
پارس - که گاهواره من بوده است - دارم، ادا کنم. گرچه عمری است که از دیدار یاران
و دیاران آشنا مهجورم، لیکن دل، هنوز در گرو خاکی است که از پس هزاران سال از
آن، «بوی عشق» می‌تراود.

«ز خاک سعدی شیراز، بوی عشق آید هزار سال پس از مرگ او گرش بویی»

این بود انگیزه این نوشتار.

و باز به خاطرم رسید، دین دیگری هم دارم. مدیون معلمی هستم که:

«یک حرف و دو حرف بر زبانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت»